سخنراني آقاي صياد سلطاني خطاب به كنگره جهاني پاركها
قرائت شده توسط افاقيا رحيم زاده
۹ سپتامبر ۲۰۰۳

خانمها، آقايان، عاليجنابان

من از كشور ايران آمده ام. من رئيس منتخب شوراي ريش سفيدان طايفه كوهي از ايل قشقايي، يكي از بزرگترين جوامع كوچرو در ايران هستم. ما گله داران كوچرو هستيم. تاريخ طايفه ما به پنج هزار سال پيش باز مي گردد و معيشت ما همواره بر پايه پرورش بز و گوسفند قرار داشته است. ما هيچگاه آنقدر در يک مرتع باقي نمي مانيم تا به آن خسارت وارد كنيم. ممكن است ما در حال حاضر نشان چنداني از گذشته ي با شكوه خود به همراه نداشته باشيم، اما وجود نشانه هايي از يک رستاخيز را مي بينيم؛ نشانه هايي كه براي حفظ محيط زيست بسيار ارزشمندند.

داستان قبيله من داستاني طولاني است. در گذشته، ما گله هاي بزرگ گوسفند و بز را در مراتع وسيع به چرا مي برديم، كاري كه در حقيقت معيشت پايدار هزاران خانوار كوچرو را تامين مي نمود. تنوع گياهي مراتع ما و سلامت تالابهايمان در طول نسلها حفظ گشته بود. ما گله هاي خود را براي چرا در تابستان به مراتع مرتفع تر برده و در زمستان به مراتع كم ارتفاع تر باز مي گشتيم. ما، دو بار در سال، از ميان مسيرهاي مهاجرت زيبا و ديدني كه در اثر قرنها توجه، شكل گرفته، شناخته شده و بهبود يافته اند عبور مي كرديم. ما، در محيطي كه از آن استفاد مي كرديم، با حيات وحش شريک بوديم. آهوان و غزالها، بزها و گوسفند هاي وحشي، شيرها، پلنگها، يوزپلنگها، روباهها، شغالها، گرگها و پرندگان ساكن و مهاجر. ما در داستانها و آوازهاي خود از اين حيوانات بسيار سخن گفته ايم و زمان مهاجرت ما، در طول قرنها، زمان شادي و سرور، يادگيري و تجديد حيات روحي و معنوي ما بوده است؛ زماني براي پيوند يافتن انسانها با طبيعت.

متاسفانه، در قرن بيستم، اسكان اجباري به ما تحميل گرديد. مراتع و منابع طبيعي ما توسط دولتهاي مختلف از ما گرفته شد. مسيرهاي كوچ ما توسط برنامه ها ي مختلف "توسعه" شامل سد سازي، پالايشگاههاي نفت و پادگانهاي نظامي آسيب ديد. نواحي ييلاق و قشلاقي ما مرتبا مورد تخريب و تكه تكه شدن توسط بيگانگان قرار گرفت. حتي هويت فرهنگي ما نيز از اين آسيب در امان نماند.

بنيانهاي قبيله اي ما با زور مورد "ساختاردهي مجدد" قرار گرفته و تصويري از ما به عنوان مردماني عقب افتاده و لجوج كه تمايلي به پيشرفت ندارند ارائه گرديد. داستان ما شبيه داستان همه جوامع كوچرويي

است که در سراسر دنيا زير سلطه انواع رژيمهايي قرار دارند که حاضر نيستند حق مديريت زمينها و زندگي ما را به ما واگذار کنند. حتي اخيرا بعضي از مردمان خود ما نيز شيوه با شکوه زندگي کوچ نشيني گذشته خود را فراموش کرده اند. **اما هنوز نه بطور کامل!**

دوستان عزيز،

ما، مردمان کوچرو، هميشه زمينمان را همان چيزي دانسته ايم که شما "منطقه حفاظت شده" مي ناميد. ما هميشه «حفظ محيط زيست» را در نظر داشته ايم، نه به عنوان يک فعاليت حرفه اي، بلکه به عنوان يک وظيفه و چيزي که باعث غرور براي تک تک اعضاي طايفه است، به عنوان قلب معيشت ما، چرا که بقاي ما کاملا به آن بستگي دارد.

من مي‌بينم که شما در مورد مسائلي چون اکوسيستمها، محيط و اتصال [1]صحبت مي کنيد. ما هميشه به اين مسائل توجه داشته ايم، اما بدون اينکه از واژه هايي که شما در مورد آنها بکار مي بريد، استفاده کنيم. الگوهاي مهاجرتي ما باعث انتقال بذر گياهان مي گردد. الگوهاي چراي ما محيط را شکل مي دهد. ما بر روي زمين خود زندگي مي کنيم؛ ما از اهميت تنوع گياهي و جانوري آگاهيم و به آن اهميت مي دهيم. ما بر روي اين زمين به نيايش و عبادت مي پردازيم و از مکانهاي مقدس آن که بسيارند حفاظت مي کنيم. چرا که زمين به ما سلامت روحي و معنوي مي بخشد. اما، به تنهايي، ما ديگر قادر به ادامه نيستيم. در جهان امروز، ما به همراهي دولتهايمان و تمامي حمايتي که ديگران مي توانند به عمل آورند نيازمنديم.

اجازه دهيد مثالي ذکر کنم. در زمينهاي قشلاقي طايفه ي من، تالاب زيبا و حيات بخشي به نام «چهار تنگ کوشک زر» وجود دارد. اين تالاب که به وسيله ي نيزارهاي بلند و چمنزارهاي وسيع احاطه شده، صدها سال مورد استفاده و حفاظت اجداد ما قرار داشته است. در حال حاضر، آب اين تالاب جهت اهداف ناپايدار کشاورزي مورد استفاده قرار مي گيرد. اما به محض آنکه ما اين منطقه را به قصد مناطق قشلاقي ترک مي کنيم، پرندگان مهاجر تالاب که از سرزمينهاي بسيار دور مي آيند، مورد شکار قرار مي گيرند. ما شاهد کوچک شدن اين تالاب و از بين رفتن گونه هاي گياهي و جانوري آن بوده ايم.

با اين وجود، من خوشحالم که اعلام کنم جامعه کوچروي کوهي اين مساله را با دولت درميان گذاشته و دولت نيز موافقت کرده است تا اين تالاب به زودي به طور رسمي به عنوان يک مناطق حفاظت شده توسط جوامع محلي (CCA) شناخته شود. ما مي دانيم زماني که مديريت اين تالاب به ما سپرده شود چگونه از آن محافظت کنيم و تمام سعي خود را خواهيم کرد تا آنرا به دوران شکوه گذشته اش بازگردانيم.

---

[1] connectivity

دوستان عزيز،

قبل از آغاز اين كنگره، نمايندگان جوامع كوچرو از كشورهاي مختلف گرد هم آمدند تا درمورد حل مسائل مشتركشان چاره انديشي كنند. ما به چند راه حل براي اقدام دست يافته ايم كه در طول اين كنگره به پالايش آنها خواهيم پرداخت؛ اما، اساسا، ما با يک منظور در اين مكان حضور داريم و آن دراز كردن دست ياري به سوي شماست. در كنار يكديگر، ما مي توانيم متحداني بسيار نيرومند براي حفظ محيط زيست باشيم. جدا از يكديگر، ممكن است فعاليتهايمان با يكديگر تلاقي پيدا كرده و از اينرو انرژي خود را هدر دهيم. لطفا ما را در حفظ شيوه زندگي كوچ نشيني خود ياري نماييد. اين شيوه نه تنها قلب معيشت ماست، بلكه راههاي زيست- فرهنگي را ايجاد مي كند كه شما حافظان محيط زيست و ما بوميان كوچرو به يک اندازه به آن نياز داريم. در مقابله با اسكان اجباري ما و گله هايمان در كنار ما بايستيد. اجازه دهيد ما از تنوع ژنتيكي عالي گله هايمان و همچنين تنوع حيات وحش كه به آن وابسته است حفاظت كنيم. به ما كمک كنيد تماميت فرهنگي خود را حفظ كرده و ظرفيتهاي خود را بسازيم. با ما صحبت كنيد، ما را در تصميم گيري ها دخالت دهيد، از تلاش براي فهميدن ما از طريق كليشه ها بپرهيزيد، و به ما بگوييد چطور مي توانيم به شما كمک كنيم. ما، جوامع بومي كوچروي جهان آماده ايم تا وفادار ترين متحدان شما در حفظ محيط زيست باشيم. شما چطور؟